

سرگذشت تخت جمشید

چگونگی تأسیس، تخریب و احیا و بازسازی

www.ketab.ir

سرشناسه	: جوادیان، مسعود، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور	: سرگذشت تخت جمشید چگونگی تأسیس، تخریب و احیا و بازسازی مسعود جوادیان
مشخصات نشر	: تهران: آژنگ، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.: مصور
شابک	: 978-600-90051-6-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۳-۲۰۰
موضوع	: تخت جمشید - تاریخ
موضوع	: ایران - آثار باستانی
موضوع	: ایران - تاریخ - هخامنشیان، ۵۵۸-۳۳۰ ق.م
موضوع	: تخت جمشید - طرح و ساختمان
رده بندی کنگره	: ۱۲۸۹ ج ۳/۵۵ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۶۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۲۷۸۲۲

عنوان : سرگذشت تخت جمشید؛ چگونگی تأسیس، تخریب و احیا و بازسازی

مؤلف : مسعود جوادیان

ناشر : آژنگ

صفحه آرا : فاطمه باقری مهر

طراح جلد : هدیه بندار

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۰

تیراژ : ۱۰۰۰

چاپ : سارنگ

صحافی : بستان منش

تلفن : ۲۲۷۱۰۹۵۶ - ۲۲۷۳۹۷۲۴ - ۰۹۱۲۶۱۳۷۷۲۶

قیمت : ۶۰۰۰۰ ریال

آدرس : صندوق پستی ۵۷۱۴-۱۹۳۹۵



۱۱	مقدمه
۱۵	بررسی منابع
۱۵	۱- مآخذ دوران باستان
۱۷	۲- مآخذ دوران ایوان اسلامی از ابتدا تا آغاز کاوش‌های علمی
۱۸	۳- سفرنامه‌های اروپاییان
۲۰	۴- منابع تخصصی
۲۳	۵- تواریخ عمومی (کلیات)
۲۵	۶- یافته‌های باستان‌شناسان
۲۷	فصل اول: نام‌های تخت جمشید
۳۳	فصل دوم: مرکز اداری، سیاسی، تشریفاتی یا دینی؟
	فصل سوم: ساخته‌ی داریوش، سوخته‌ی اسکندر (تخت جمشید از آغاز تا پایان دوره‌ی ساسانی)
۴۵	پایان دوره‌ی ساسانی
۴۷	مقدمه
۴۸	داریوش و تأسیس تخت جمشید
۴۹	وصف بنا
۵۴	یک روز از زندگی یک کارگر خزانه
۵۷	اسکندر و آن‌چه او کرد
۵۹	نظرات برخی از پژوهشگران
۶۲	پس از اسکندر
۶۵	فصل چهارم: تخت جمشید در دوران اسلامی؛ قرن نخست هجری تا ظهور صفویان
۶۷	مقدمه
۶۸	تخت جمشید از دیدگاه طبری

۷۱	حدود العالم
۷۱	حمزه اصفهانی
۷۱	ابوالفدا و دیگران
۷۳	نخستین اروپایی که تخت جمشید را دید
۷۳	جوزف باربارو

فصل پنجم: تخت جمشید در دوران صفویان

۷۷	مقدمه
۸۱	کامپفر
۸۱	مشاهدات یک اسپانیایی
۸۲	تخت جمشید
۸۳	نقوش تخت جمشید
۸۴	کاخ داریوش و ماجرای بگ سفیر
۸۵	نقش برجسته‌ی اردشیر اول
۸۵	در تخت جمشید نقشی از زنان نیست
۸۶	تحلیل سفر

فصل ششم: مقدمات احیای تخت جمشید (از دوره‌ی زند تا اوایل دوره‌ی پهلوی)

۸۹	کارستن نیبور
۹۲	ویلیام فرانکلین
۹۵	کرپوتر و موریه
۹۷	فلاندن
۹۸	هینریش بروگش
۱۰۵	آرمینیوس وامبری
۱۰۸	دیولافوا
۱۰۸	کرزن
۱۱۰	جکسن
۱۱۳	

فصل هفتم: احیای تخت جمشید (۱۹۷۸-۱۹۲۴ م / ۱۳۵۷-۱۳۰۳ ش)

۱۱۷	کاوش‌های ارنست هرتسفلد
۱۲۱	کاوش‌های اشمیت ، فصلی نو در احیای تخت جمشید
۱۲۵	

سخن آخر ۱۲۹

ضمیمه ی ۱: بناهای صفه، آن گونه که هست، آن گونه که بود ۱۳۷

ضمیمه ی ۲: حجاری ها و ساختمان ها ۱۴۹

ضمیمه ی ۳: تاریخچه ی ساخت بناهای روی صفه براساس پژوهش مایکل رُف
(از کتاب: نقش برجسته ها و حجاران تخت جمشید) ۱۵۵

ضمیمه ی ۴: زمان شمار فعالیت های باستان شناسی در تخت جمشید (از کتاب: مروری
بر پنجاه سال باستان شناسی ایران) ۱۶۵

ضمیمه ی ۵: الواح تخت جمشید ۱۶۹

ارجاعات ۱۷۳

تصویرها ۱۸۳

منابع ۱۹۳



www.ketab.ir

مقدمه



نخستین بار که فرصت دیدار از خرابه‌های تخت جمشید دست داد، حدود ۲۰ سال پیش از این بود؛ گروه تاریخ دانشگاه اصفهان مقدمات یک گردش علمی به منظور بازدید از برخی آثار تاریخی فارس را فراهم آورده بود. دیدن بقایای تخت جمشید و شنیدن توضیحاتی درباره‌ی آن، احساسات و اندیشه‌هایی را در نگارنده پدید آورد که شرح آن، شاید در این جا مناسبی نداشته باشد.

سفر دوم به تخت جمشید چند سال بعد پیش آمده زمانی که در یک مأموریت اداری عازم فارس بودم. هدف این بود که از آثار استان فارس عکس برداریم تا آرشیو عکس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی غنی‌تر گردد. بنابراین لازم بود پیشاپیش درباره‌ی آثار تاریخی استان فارس به مطالعه بپردازم؛ تا هم بتوانم نقش خود را به عنوان کارشناس تاریخ در گروه اعزامی ایفا کنم و هم در تهیه و نگارش شرح تصاویر، با مشکل مواجه نشوم.

برای این کار از کتاب «اقلیم فارس» نوشته‌ی زنده یاد محمدتقی مصطفوی بهره‌ی زیادی گرفتم؛ رجوع مکرر به کتاب مذکور و دقت در حواشی و ارجاعات آن، موجب آشنایی با چندین مأخذ در ارتباط با تخت جمشید شد. در این سفر نیز نکات تازه‌ای از تخت جمشید بر نگارنده روشن شد و به‌ویژه این نکته مسلم گشت که شناخت حتی اجمالی تخت جمشید، به مقدمات و مطالعات خیلی بیشتری نیاز دارد.

بعدها رجوع مکرر به سفرنامه‌ها و متون تاریخی و جغرافیایی، این نکته را عیان ساخت که در آن‌ها مطالبی جالب درباره‌ی تخت جمشید وجود دارد که خود، می‌تواند موضوع یک پژوهش قرار گیرد؛ در عین حال پرسش بر پرسش می‌افزود: چرا با وجود شوش و هگمتانه و بابل، داریوش در این مکان دست به کار ایجاد چنان بنای عظیمی شد؟ آیا اسکندر واقعاً تخت جمشید را به آتش کشیده است؟ دلیل او برای این کار چه بوده است؟ چرا او کاخ‌های شاهان هخامنشی در سایر پایتخت‌های آنان را آتش نزد و تنها در تخت جمشید به این کار اقدام ورزید؟ آیا از آن پس بر تخت جمشید چه گذشته است؟ آیا بلافاصله متروک گشته و یا در دوره‌های بعد، از آن استفاده می‌شده است؟ ایرانیان که تا چند دهه پیش، تاریخ دوران باستان خویش را براساس روایات داستانی و بعضاً غیر تاریخی تصور می‌کردند (کیانیان، پیشدادیان، ...) چه تصویری از تخت جمشید داشته‌اند؟ چه عواملی

به شناسایی تخت جمشید در عصر ما منجر شده است؟ و بالاخره آیا سرگذشت تخت جمشید را کسی نگاشته است یا خیر؟ بر اهل تحقیق پوشیده نیست که از مهم‌ترین مشکلات پژوهش در کشور ما مسأله‌ی دسترسی به منابع است؛ دوری راه‌ها، مشکلات اداری برای استفاده از منابع، خصال روحی و روانی افراد صاحب‌میز در برخی نهادهای فرهنگی، از جمله مشکلاتی بود که در این مدت بر سر راه نگارنده قرار داشت که بی‌تردید اثر خود را در این پژوهش نهاده است. در این کتاب کوشیده‌ام برای این پرسش‌ها پاسخی بیابم.

در مدت این پژوهش نگارنده با دو استاد پژوهشگر آشنایی یافت که درباره‌ی تخت جمشید اطلاعات وسیعی داشته و طبق اطلاع، به منابع خوبی دسترسی داشتند لیکن از آن‌جا که هنوز حاصل پژوهش‌های خود را منتشر نکرده‌اند، محترمانه از کمک دریغ ورزیدند. در عوض دوستان بسیاری به یاری‌ام برخاستند که ذکر نام آن‌ها را بر خود لازم می‌دانم:

جناب استاد دکتر عزیزالله بیات، صفحه صفحه‌ی این نوشته را خواندند و نکات اصلاحی سودمندی را یادآور شدند. سسی باید از آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش یاد کنم که راهنمایی‌های سودمندی در انجام کار ارائه نمودند. دلسوزی، خیرخواهی و لطف نامبرده همواره دستمایه‌ای بوده که از آن بهره‌ها گرفته‌ام. سرکار خانم طبعه الوندی کتابدار محترم کتابخانه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با حوصله کافی منابع لازم را در اختیارم نهادند و مکرر برای یافتن کتاب‌ها در قفسه‌های کتابخانه رفت‌وآمد کردند. نظرات آقای دکتر جواد عباسی در تصحیح و تنقیح این پژوهش سودمند بود. آقایان دکتر محسن جعفری مذهب، دکتر عطاءالله حسینی، دکتر منصور صفت‌گل، کتابخانه‌ی شخصی خود را بی‌دریغ در اختیارم نهادند و با اوقات گران‌بهایشان را صرف راهنمایی و یافتن مأخذ مورد نظر نمودند. آقای دکتر مصطفی ندیم، طی مصاحبت‌هایی در تصحیح و تکمیل چارچوب تحقیق یاری‌ام دادند و به ادامه‌ی کار تشویق کردند. آقایان دکتر جمشید نوروزی و بابک زمانی‌پور در معرفی منابعی چند و دسترسی به آن‌ها مساعدت نمودند. آقای دکتر نصرالله صالحی علاوه بر نظرات اصلاحی درباره‌ی سازماندهی مطالب نگارنده را از چاپ سفرنامه‌ی جیمز موریه مطلع ساختند. جناب آقای دکتر رضا حسینی رییس سابق دانشگاه آزاد واحد مرودشت در سفر نخست تسهیلات لازم را در اختیارم نهادند تا حداکثر استفاده را از فرصت به عمل آورم. آقای اشمن بختیار عکاس سرشناس و با ذوق، در سفر دوم زحمت عکاسی از تخت جمشید را برای نگارنده عهده‌دار شدند. همسرم سرکار خانم مهندس فریبا ملک‌احمدی نیز با حوصله نمونه‌خوانی مطالب را به عهده گرفت. جناب آقای دکتر محمد رحیم ربانی نیز در آماده‌سازی نهایی آن از هیچ کمکی دریغ نکردند. از همدی این عزیزان صمیمانه سپاسگزارم.

مسعود جوادیان

تهران - پاییز ۱۳۸۸

بررسی منابع

از آن جا که موضوع پژوهش حاضر محدوده‌ی زمانی درازی را دربرمی‌گیرد، مآخذ آن را نمی‌توان به شیوه‌ی مرسوم به منابع اصلی و فرعی یا منابع پایه و تحقیقات جدید و تقسیم‌بندی‌هایی از این دست تقسیم نمود. به همین دلیل نگارنده مآخذ مورد استفاده‌ی خویش را به گونه‌ی دیگری دسته‌بندی کرده است؛ ذکر مشخصات کامل مآخذ (مورد اشاره در گفتار حاضر) در پایان آمده است.

۱- مآخذ دوران باستان

۲- مآخذ ایران اسلامی از ابتدا تا آغاز کاوش‌های علمی در تخت جمشید

۳- سفرنامه‌های اروپاییان

۴- منابع تخصصی

۵- کلیات

۶- یافته‌های باستان شناختی

۱- مآخذ دوران باستان

اگر پژوهشگری بخواهد درباره هخامنشیان (اعم از شاهان، نبردها، قلمرو، اوضاع اقتصادی، دین و ...) به تحقیق بپردازد آثار نویسندگان دوره باستان نظیر هرودت^۱، آریان^۲، دیودورسیسیلی^۳، کنت کورث^۴، پولوتارک^۵ و نظایر آن‌ها مطالب کم و بیش ارزنده‌ای در اختیار وی قرار می‌دهند که می‌تواند دستمایه‌ی وی برای ابتکار باشد. نیز از این قبیل اند تورات، الواح بابلی و انواع آثار و اسنادی که در مصر و آسیای صغیر به دست آمده است؛ لیکن هیچ یک از مآخذ نام‌برده در باب تخت جمشید اطلاعاتی در اختیار پژوهشگر قرار نمی‌دهد!؛ جز اشارات برخی از نویسندگان مذکور، در جریان فتح

۱- Herodote

۲- Arrianus

۳- Diodorus

۴- Kant Kurs

۵- Polutark

تخت جمشید و ماجرای مشهور آتش سوزی که به اغوای تائیس^۱ (در مآخذ ایران اسلامی، طاووس) معشوقه بطلمیوس^۲ و نیز توصیف کوتاه دیودور سیسیلی از تخت جمشید که اغلب محققان خارجی و داخلی به نقل و تحلیل آن پرداخته‌اند.

«کتیبه‌های شاهان هخامنشی» در تخت جمشید را می‌توان نخستین و مهم‌ترین منبع در این زمینه دانست. در این کتیبه‌ها داریوش ادعا می‌کند که پیش از بنای کاخ (= دژ) وی بر روی صفه، بنایی در آن نبوده است و اوست که برای نخستین بار به این کار اقدام کرده است. خشایارشا^۳ اظهار می‌دارد که ایجاد فلان کاخ را پدرش آغاز کرد و او به پایان رساند. همین گونه است کتیبه‌های اردشیر اول و اردشیر سوم و نیز کتیبه‌ی داریوش در شوش که در آن، نحوه‌ی تأمین مصالح کاخ شوش را بیان می‌دارد و همان را می‌توان در مورد تخت جمشید تعمیم داد. بنابراین کتاب «فرمان‌ها» (فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی که به زبان آریایی نوشته شده) نوشته‌ی رلف نارمن شارپ^۴ همان‌طور که محتوای آن از اسمش پیداست، در این باره راه‌گشاست و می‌بایست مکرر مورد مطالعه قرار گیرد. کتاب مذکور شامل سه بخش است: در ابتدا نویسنده ضمن اشارهای کوتاه به تاریخچه‌ی کشف الفبای خط میخی به تشریح زبان پارسی باستان و خط میخی پارسی پرداخته است. بخش دوم شامل کتیبه‌ها و ترجمه‌ی آن‌ها است و در بخش آخر «فهرست کلمات پارسی باستان که در کتیبه‌های شاهنشاهان هخامنشی به کار برده شده» ارائه شده است. کتاب مذکور از ارزنده‌ترین مآخذی است که علاقه‌مندان به مطالعه درباره ایران عصر هخامنشی می‌بایست آن را مطالعه کنند. همین گونه است کتاب «کتیبه‌های هخامنشی» نوشته‌ی پی‌یر لوکوک.

الواح تخت جمشید نیز می‌بایست مورد استفاده‌ی هر پژوهشگر تخت جمشید قرار بگیرد. بخش‌هایی از این الواح در سال‌های ۱۲-۱۳۱۱ در زمانی که ارنست هرتسفلد^۵ آلمانی مدیریت کاوش‌های تخت جمشید را به عهده داشت، کشف گردید و بخش‌های

۱- Tais

۲- Batlemyus

۳- Xasayarsa

۴- Ralph Norman Sharp

۵- Ernest Hertsfeld



دیگر در زمان اشمیت^۱ یافته شد. بازخوانی این الواح توسط پژوهشگران هم چون کامرون^۲، هالوک^۳، کُخ^۴ و عبدالمجید ارفعی نکات جالبی را درباره ی اوضاع اقتصادی و فرهنگی ایران عصر هخامنشی و برخی مسائل مربوط به تخت جمشید فاش ساخت. فهرست مآخذ مربوط به الواح در پایان آمده است. به ویژه نگارنده از کتاب «از زمان داریوش» بهره های فراوان برد. در این کتاب خانم کُخ که از شاگردان والتر هینتس^۵ عالم نامدار می باشد، براساس الواح تخت جمشید اطلاعات جالبی در اختیار خواننده قرار می دهد. متأسفانه کتاب دیگر این نویسنده که به تازگی به فارسی ترجمه شده و آن نیز براساس الواح مذکور به نگارش در آمده است (پژوهش های هخامنشی) به دلیل اصرار مترجم به استفاده از واژه های فارسی، آن را از حیث انتفاع خارج ساخته است.

آیا پژوهشگری که می خواهد درباره تخت جمشید به تحقیق بپردازد، از مشاهده ی خود صفا بی نیاز است و تنها می تواند به مطالعه کتابخانه ای اکتفا ورزد؟ چنین کسی می بایست بارها به تخت جمشید برود و از نزدیک شخصاً به مشاهده ی آثار آن جا بپردازد. به علاوه او از مشاهده ی افاری نظیر نقش رستم و پاسارگاد بی نیاز نیست.

۲- مآخذ دوران ایران اسلامی از ابتدای آغاز کاوش های علمی

مآخذی که در باب فتح مناطق دور و نزدیک ایران توسط اعراب مسلمان سخن گفته اند، درباره ی تخت جمشید خاموشند. این مآخذ تنها به فتح مکرر اصطخر (استخر) به دست مسلمانان اشاره دارند (نظیر فتوح البلدان، طبری، ابن خلدون). سایر کتاب های تاریخی و جغرافیایی که از قرن سوم تا سیزدهم هجری نگاشته شده و حاوی اطلاعاتی در این باره هستند، اغلب مطالب واحدی را تکرار کرده اند: تخت جمشید (صد ستون، چهل منار...) توسط جمشید پادشاه پیشدادی ساخته شده است و در این کار دیوان و اجنه به او کمک کرده اند. این مآخذ اشاره ای نیز به احوال جمشید دارند: برخورداری او از فره ایزدی و انجام کارهایی بزرگ و چندی بعد محروم شدن وی از آن، به سبب تغییر

۱- Erich F. schmidt

۲- Cameroun

۳- Halok

۴- Kox

۵- Walther Hinz



روحیه و رویه. برخی نیز تخت جمشید را به حضرت سلیمان و یا به همای دختر بهمن پادشاه کیانی نسبت می‌دهند. از این قبیل اند کتاب‌های مروج الذهب، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، فارس نامه ابن بلخی، تاریخ گزیده، مآثر الملوک، شیراز نامه، جغرافیای حافظ ابرو.

مشهور است که از دوره‌ی ساسانیان که دیگر یاد و نام هخامنشیان فراموش شده بود، مردم بنای صفه را به جمشید پادشاه پیشدادی نسبت دادند و در دوره‌ی اسلامی حضرت سلیمان (ع) جایگزین وی شده با این حال این ادعا به طور کامل در منابع مورد نظر مشاهده نمی‌شود. به طوری که قدیمی‌ترین توصیف تخت جمشید، در ترجمه‌ی تفسیر طبری دیده شده که آن را به حضرت سلیمان نسبت داده است. سپس ابن بلخی در فارس نامه از جمشید سخن به میان می‌آورد. مؤلف حدود العالم می‌گوید «آن را مزگت سلیمان خوانند». حمزه اصفهانی و حمدالله مستوفی از «همای» سخن به میان می‌آورند و ...

هیچ یک از این مآخذ تصویر درست و روشنی از بقایای صفه و نقوش و کتیبه‌های آن به دست نمی‌دهد. از معاصران، اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان برای نخستین بار تصویری نسبتاً صحیح‌تر از پیشینیان، از تخت جمشید عرضه می‌دارد، آن هم به این دلیل که منابع مورد استفاده‌ی وی به گفته‌ی خودش سفرنامه‌های اروپاییان بوده است. همین گونه است آن چه مؤلف «آثار عجم» نگاشته است که به اظهار خودش خطوط میخی پهلوی را نزد اروپاییانی که با آن‌ها محشور بوده آموخته است. مزیت کتاب آثار عجم بر مرآت البلدان، تصاویری است که خود مؤلف، از بخش‌های مختلف صفه، ترسیم نموده است. مندرجات فارس نامه ناصری نیز درباره‌ی تخت جمشید عیناً نقل قول از اعتمادالسلطنه و جام جم (فرهاد میرزا) است و نکته‌ی تازه‌ای در آن نیست.

۳- سفرنامه‌های اروپاییان

برای مطالعه‌ی تاریخ تخت جمشید، سفرنامه‌ها، فراوان به کار می‌آیند؛ هم از این حیث که از طریق اطلاعات و تصاویر آن‌ها به تغییرات رخ داده در آن پی می‌بریم، و هم از این حیث که معمولاً هر سیاح، پیش از سفر به ایران، سفرنامه‌های پیش از خود را می‌خواند



و به دلیل علایق شخصی به شناخت تاریخ و فرهنگ ایران، چیزی بر آن می‌افزود. در نتیجه‌ی همین روند بود که «ایران‌شناسی» پایه‌گذاری شد و مقدمات شناخت علمی تخت جمشید فراهم گشت. متأسفانه مترجمین برخی از این سفرنامه‌ها در صورت وجود مطالبی درباره‌ی تخت جمشید آن را بی‌ارزش دانسته و در ترجمه‌ی خود به حذف آن اقدام کرده‌اند، نظیر سفرنامه‌های شاردن، تاورنیه و کمپفر. در این جا به معرفی و بررسی آن دسته از سفرنامه‌هایی که بیش‌ترین مطلب را درباره‌ی تخت جمشید داشته و مورد استفاده‌ی نگارنده بوده‌اند می‌پردازم.

نخست باید از سفرنامه‌ی دن گارسیادسیلوا فیگوئورا^۱ یاد بکنم. از طریق این کتاب به اسم مرسوم تخت جمشید در عصر صفوی یعنی «چهل منار» و نیز وضعیت بنا در عصر صفویه پی می‌بریم. کارستن نیبور^۲ در دوره کریم خان به ایران آمد. او چند هفته در تخت جمشید ماند و به دقت بقایای آن را مورد بررسی قرار داد. حدود ۷۰ صفحه از متن فارسی سفرنامه‌ی نیبور به توصیف تخت جمشید اختصاص دارد. مترجم محترم در چاپ این کتاب با همتا قرار دادن کتاب اشمیت، بناهایی را که نیبور توصیف نموده، شناسایی و اطلاعات کامل‌تر مربوط به هر قسمت را در پاورقی ذکر کرده است؛ در نتیجه خواننده به خوبی می‌تواند به مقایسه‌ی مطالب نیبور با دستاوردهای پس از آن بپردازد. مزیت دیگر کتاب نیبور تصویرهایی است که وی از بخش‌های مختلف بناها ترسیم نموده است. پس از وی باید از سفرنامه‌ی اوزن فلاندن^۳ نام برد. مدت توقف فلاندن و کست^۴ نیز در تخت جمشید کوتاه نبوده و آنان در آن جا حتی به کاوش نیز اقدام ورزیده‌اند. از آن جا که همزمان با اقامت این دو در تخت جمشید، چند تن از زرتشتیان به روی صفه آمده و مراسم دینی خود را به جای آورده‌اند، می‌توان دریافت که در این دوره (هم‌چون دیگر دوره‌ها) تخت جمشید برای زردشتیان حرمت و قداست داشته است. این نکته در بحث از کاربرد تخت جمشید می‌تواند برای پژوهشگر مفید باشد. به علاوه تابلوهای زیادی که این دو سیاح از آثار تاریخی ایران از

۱- D. Garcia de Silva Figueroa

۲- Carsten Niebuhr

۳- Ozen Flandin

۴- Cost

جمله بناهای تخت جمشید تهیه کرده‌اند ارزش تاریخی بسیاری دارد و مورد استفاده باستان‌شناسان و اهل تاریخ قرار گرفته است. به نظر می‌رسد ترجمه‌ی کتاب از دقت کافی برخوردار نیست و شاید لازم باشد که مترجم دیگری نسبت به ترجمه‌ی آن اقدام کند. نیز باید به سفرنامه‌ی جیمز موریه اشاره کنم که حاوی مطالب سودمند و در عین حال شگفت‌انگیزی است. از طریق سفرنامه‌ی وامبری^۱ در می‌یابیم که در زمان وی بسته‌ای دم چلچله‌ای در لابه‌لای سنگ‌های تخت جمشید هنوز به فراوانی موجود بوده و اهالی محل، بدون توجه به ارزش تاریخی آن‌ها، از بست‌ها برای چاشنی اسلحه استفاده می‌کرده‌اند! سفرنامه‌ی دیولافوا^۲ نیز از حیث مطالب و نیز تصاویری که نویسنده ترسیم نموده به کار می‌آید.

در میان سفرنامه‌ها کتاب کرزن^۳ (ایران و قضیه ایران) از اهمیت اساسی برخوردار است؛ نه فقط از آن حیث که نویسنده با دانش و بینش گسترده به مشاهده و توصیف آثار پرداخته بلکه نیز از این حیث که او خلاصه‌ی نظریات سیاحان پیش از خود درباره تخت جمشید را گرد آورده است.

سایر سفرنامه‌هایی که مورد استفاده نگارنده قرار گرفته در فهرست منابع نام برده شده‌اند. در مجموع سفرنامه‌ها و مطالب آن‌ها در شناسایی تخت جمشید به جهانیان و نیز عطف توجه کارشناسان و باستان‌شناسان بدان سهم زیادی داشته است.

۴- منابع تخصصی

منابع تخصصی، آن دسته از کتاب‌ها و مقالاتی است که تمامی و یا بیش‌تر مطالب آن‌ها درباره تخت جمشید است. از آن جمله است «رپرت درباره حالت کنونی اطلال شهر پارسه» نوشته ارنست هرتسفلد. هرتسفلد نخستین باستان‌شناسی است که به‌طور وسیع و علمی و با امکانات لازم در رأس ده‌ها کارشناس، کارمند و کارگر به کاوش در تخت جمشید پرداخت و البته در پایان، نام نیک خود را با سرقت آثاری از تخت جمشید ضایع کرد! هرتسفلد به گفته اشمیت هرگز گزارش کاوش‌های خود را منتشر نکرد. و

۱- Vamberi

۲- Diyolafoa

۳- Kurzon



البته حاصل آن‌ها را در تاریخی که درباره‌ی ایران باستان نوشت، انعکاس داد. راپرت مذکور در واقع گزارشی است که وی پیش از شروع کاوش، به درخواست دولت وقت ایران (۱۳۰۳/۱۹۲۴ ش) تهیه نمود.

نوشته‌ی هرتسفلد شامل سه بخش اصلی است: توصیف بناهای روی صفه، توصیف آثار اطراف صفه و اقداماتی که برای حفظ بنا باید صورت می‌پذیرفت. هر چند ترجمه‌ی این نوشتار به قلم کسی است که ثقیل نویسی وی در میان اهل ادب شهره است (استاد مجتبی مینوی)، از نوشته‌های ارزشمند درباره‌ی تخت جمشید است. در پایان کتاب نیز مجموعه تصاویر جالبی از تخت جمشید ارائه شده است.

در این جا باید از مهم‌ترین و حجیم‌ترین اثری یاد کرد که هرگونه پژوهش درباره تخت جمشید بدون استفاده از آن ناقص خواهد بود: «تخت جمشید» نوشته‌ی باستان‌شناسی شهر که سهم خیلی زیادی در احیای تخت جمشید داشته است یعنی اریک اشمیت. وی در مقدمه‌ی این کتاب (که از سه جلد، تنها جلد نخست آن به فارسی ترجمه شده) ابتدا به ذکر پیشینه‌ی کاوش‌های پیش از خود می‌پردازد و سپس به اجمال، توضیح کوتاهی درباره‌ی جریان کاوش‌هایی که به مدیریت خود او انجام پذیرفته ارائه می‌کند و سهم هر یک از کسانی را که در کاوش‌های مذکور نقش داشته‌اند بیان می‌دارد و پیش از شروع گزارش‌های باستان‌شناختی، شرحی در معرفی هخامنشیان ارائه می‌دارد. سپس مرحله به مرحله کاوش‌های انجام یافته را شرح می‌دهد و ضمن بیان کارهای انجام یافته و توصیف بناها، ابزار و آلات یافته شده را برمی‌شمارد. وی در جای جای گزارش‌های خود، به تحلیل موضوعات و مسائل مورد بحث می‌پردازد و نظرات خود درباره‌ی آن‌ها را ابراز می‌دارد. به علاوه کتاب وی حاوی ده‌ها تصویر از جریان کاوش‌ها می‌باشد که در نوع خود منحصر به فرد است و ارزش تاریخی زیادی دارد. در ترجمه و آماده‌سازی و چاپ این کتاب، تنی چند از صاحب‌نظران دست داشته‌اند که انصافاً کار آنان قابل تقدیر فراوان است. اشمیت در زمان اقامت در ایران علاوه بر تخت جمشید کاوش‌هایی را نیز مدیریت می‌کرد. به علاوه با استفاده از هواپیمایی که در اختیار داشت از آسمان ایران مناطق باستانی را مورد مطالعه قرار می‌داد. حاصل این کار، کتاب «پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران» است

که توسط آرمان شیشه‌گر و سازمان میراث فرهنگی کشور ترجمه و منتشر شده است. کتاب تخت جمشید وی مکرر مورد استفاده‌ی نگارنده بوده است.

مدتی پس از بازگشت اشمیت از ایران، دکتر علی سامی عهده‌دار ادامه‌ی کاوش‌های باستان‌شناختی در تخت جمشید شد. حاصل کار او برای اهل تاریخ، چندین کتاب و مقاله است که البته مطالب مشترک آن‌ها کم نیست. از آن جمله باید از «پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی» نام برد که از ابعاد مختلف تاریخی و باستان‌شناختی به معرفی تخت جمشید پرداخته است. تعلق خاطر شدید وی به تمدن عصر هخامنشی در نوشته‌های وی صورتی آشکار دارد. سامی در کتاب مذکور در عین حال سخنان بسیاری از پژوهشگران غربی را گردآوری و نقل کرده است.

هم‌چنین باید ذکری از کتاب اکبر تجویدی به میان آورد: «دانستنی‌های نوین درباره هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی». تجویدی نیز که خود مدتی کاوش‌های تخت جمشید و نیز قسمت‌هایی از بیرون صفه را سرپرستی می‌کرده است، در این کتاب، هم به ارائه گزارش کاوش‌های مذکور پرداخته و هم بحث‌های بسیار جالب و خواندنی درباره تخت جمشید ارائه داده است که مطالعه‌ی آن‌ها برای علاقه‌مندان تاریخ هخامنشیان ضروری است. در نوشته‌ی حاضر سطوری از این نوشته را نقل کرده‌ام.

پژوهشگران در باب نقوش تخت جمشید بحث‌های بسیاری کرده‌اند که از جمله جامع‌ترین و عمیق‌ترین آن‌ها، مطالبی است که در کتاب «نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی» ارائه شده است. در این کتاب، نویسنده ضمن شناسایی و معرفی اقوامی که تصویر آن‌ها در تخت جمشید نقش شده است، به بیان این مطلب پرداخته است که آنان هدیه‌آوران هستند نه باجدهندگان.

از جمله نکات جالب درباره حجاری‌های تخت جمشید، شناسایی حجاران آن است از طریق علامت‌هایی که هر یک یا هر دسته در ذیل نقوش گذاشته‌اند. مایکل رف^۱ این موضوع را به‌عنوان پایان‌نامه‌ی دکتری خود انتخاب نموده که حاصل آن کتاب نسبتاً حجیم «نقش برجسته‌ها و حجاران تخت جمشید» است. در عین حال وی در کتاب مذکور مراحل ساخت هر یک از کاخ‌های تخت جمشید را توضیح داده است.



برای کسی که به پژوهش درباره تخت جمشید می‌پردازد، دسترسی به «راهنما»یی که در آن به توضیح و توصیف بناهای صفا پرداخته باشد ضروری است. نگارنده در این باره از کتاب «شرح مصور تخت جمشید» به فراوانی سود جست و در نوشتار حاضر از آن بهره برد. نویسنده کتاب مذکور مرحوم علیرضا شاپور شهبازی از کارشناسان مسلّم تاریخ هخامنشیان بود و هر یک از نوشته‌های وی در نوع خود کم‌نظیر است.

دو کتاب از دو پزشک نیز در میان آثار مربوط به تخت جمشید جلب توجه میکند: «راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد» تألیف فرخ سعیدی و «تگرشی نو بر تخت جمشید» نوشته اردشیر خورشیدیان. کتاب اخیر هر چند به قلم نویسنده‌ای زردشتی نگارش یافته که جانب‌داری و ستایش او از هخامنشیان صورتی آشکار دارد، دارای مطالب خواندنی و قابل توجه درباره دین هخامنشیان می‌باشد. «تخت جمشید از نگاهی دیگر» نیز از دیگر کتاب‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده و مطالعه آن خالی از فایده نیست.

در پایان این گفتار باید از دو مقاله بسیار ارزنده نام برد. نخست مقاله: «تخت جمشید، باغی مقدس با درختانی سنگی» نوشته‌ی محقق ارجمند و نامدار مرحوم مهرداد بهار. در این مقاله استاد بهار ابتدا به خوبی به تشریح و توضیح این تکتۀ پرداخته که برای فهم آثار و فرهنگ عصر هخامنشیان، می‌بایست هم فرهنگ آریایی‌ها را مورد مطالعه قرار داد و هم فرهنگ‌های باستانی بین‌النهرین را. سپس به معرفی هخامنشیان و اقدام داریوش در ایجاد تخت جمشید پرداخته و نظریه‌ی خویش درباره اهمیت و کارکرد آن را بیان داشته است. این نوشته در کتاب «از اسطوره تا تاریخ» آمده که از جمله آثاری است که پس از مرگ بهار به چاپ رسید.

مقاله دوم، نوشته‌ی ارزشمند کامیار عبدی است با عنوان «پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشی» که در مجموعه‌ی «پایتخت‌های ایران» منتشر شده است. در این مقاله‌ی مبسوط، نویسنده به توصیف شهرهایی که توسط پادشاهان هخامنشی ساخته شد، پرداخته و به ویژه سرگذشت تخت جمشید را شرح داده است.

۵- تواریخ عمومی (کلیات)

منظور از کلیات آن دسته از کتابهایی است که تمامی تاریخ ایران باستان را مورد



بررسی قرار داده‌اند، خواه از حیث فرهنگ و تمدن نظیر هنر ایران^۱، و خواه از حیث اوضاع سیاسی - اجتماعی نظیر تاریخ مردم ایران (جلد اول) نوشته‌ی مرحوم عبدالحسین زرین کوب.

آندره گدار در «هنر ایران» آرتورپوپ^۲ در «معماری ایران»، گیرشمن^۳ در «هنر ایران» و مری بویس^۴ در «تاریخ کیش زردشت» (جلد دوم)، جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن ایران عصر هخامنشی از جمله تخت جمشید را مورد بررسی قرار داده و به اظهارنظر درباره آن‌ها پرداخته‌اند که همه مفید است و خواندنی.

به کتاب‌های مذکور «باستان‌شناسی ایران باستان» نوشته لویی واندنبرگ^۵ را نیز باید افزود که دارای ارزش تحقیقی و تاریخی فراوانی است. به علاوه از آن‌جا که در حیث از جنبه‌های مختلف تخت جمشید مدام از «هخامنشیان» و به ویژه از داریوش سخن به میان می‌آید پژوهشگر را به مطالعه درباره آن‌ها ملزم می‌سازد. در این راستا «تاریخ ایران باستان»، مرحوم پیرنیا، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی» نوشته اومستند^۶، «تاریخ مردم ایران» نوشته مرحوم عبدالحسین زرین کوب، «از زبان داریوش» از هایدماری کخ، «تاریخ امپراتوری هخامنشی» اثر پی برریان^۷ محقق نامدار فرانسوی مورد رجوع مکرر نگارنده بوده است. کتاب مرحوم پیرنیا از حیث احتوای تفصیلی روایات مورخان یونانی و رومی ارزش فراوانی دارد. کتاب اومستند در نوع خود پژوهشی ارزنده است، هر چند متأسفانه اصرار مترجم آن بر استفاده از واژه‌های فارسی خواننده را دچار زحمت می‌سازد و نیز نظرات مؤلف در باب برخی اقدامات داریوش مورد پذیرش شاپور شهبازی نیست و نامبرده در «جهانداری داریوش بزرگ» به سختی به تازش و پاسخ‌گویی آن‌ها پرداخته است. «تاریخ مردم ایران» مرحوم زرین کوب یک پژوهش

۱- Andre Godar

۲- Arthor Pop

۳- Girshman

۴- Marry Boyce

۵- Louis Vandenbergh

۶- Albert Ten Eyek Olmstead

۷- Pir Beriyan



واقعی است که با قلمی گیرا و کم‌نظیر به ترسیم روند تحولات سیاسی اجتماعی ایران باستان پرداخته و به نیز با متانتی ویژه، به پاسخ‌گویی برخی یاوه‌سرای‌های مورخان باستانی پرداخته است. اخیراً دو جلد کتاب پی‌یر بریان نیز به فارسی ترجمه شد که از جدیدترین پژوهش‌ها درباره‌ی هخامنشیان است. در این کتاب که تاریخ هخامنشیان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته خواننده علاوه بر اطلاعات کلی که به ضرورت آن اشاره شد دست می‌یابد، بحثی تحلیلی در باب جریان به آتش کشیده شدن تخت جمشید ارائه شده است که اختصاصاً به پژوهش حاضر ارتباط می‌یابد و نگارنده به نقل آن پرداخته است. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که از آن‌جا که پژوهشگران در بحث از استقلال یا عدم استقلال هنر عصر هخامنشی و تأثیرگذاری فرهنگ و تمدن مصر و بین‌النهرین باستان اشاره نموده و نقوش و ستون‌های تخت جمشید را با نقوش آشوری و معماری مصر باستان مقایسه کرده‌اند، اطلاع اجمالی از این دو ضروری است. این نیاز را کتاب‌هایی نظیر «تاریخ تمدن» ویل و آریل دورانت^۱ «تاریخ تمدن» هنری لوکاس^۲ و نظایر آن‌ها برطرف ساخت.

۶- یافته‌های باستان‌شناسان

باستان‌شناسان طی کاوش‌هایی که در تخت جمشید انجام داده‌اند، به آثاری نظیر سکه‌ها، ظروف و ابزارهای مختلف دست یافته‌اند که مربوط به دوره باستان و دوره اسلامی هستند. از جمله اشمیت در کتاب خود (تخت جمشید) در چند جا به یافته شدن سکه‌های اسلامی از قرون نخستین تا قرن سیزدهم تصریح می‌کند. این نکته در مطالعه‌ی سرگذشت تخت جمشید از این حیث سودمند است که اگر نتوان ثابت نمود که تخت جمشید در سده‌های بعد از انقراض دولت ساسانی مورد استفاده حاکمان محلی واقع شده، حداقل می‌توان با استناد بدان اظهار کرد که در این دوره‌ی نسبتاً طولانی، جمعیت‌هایی به هر علت در آن‌جا در رفت و آمد بوده‌اند.

۱- Will Durant

۲- Henri Lucas